موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

بررسی روایات مدعی تعارض با حدیث مدینه العلم

بحث درباره روایاتی است که به عنوان روایات معارض با حدیث مدینه العلم از آنها یاد شده و برخی از عالمان اهل سنت مانند عبدالعزیز دهلوی به آنها استناد کرده اند. در جلسه قبل سه روایت از این نوع نقل و بررسی شد. اکنون به بررسی مابقی این روایات می پردازیم:

روایت چهارم

«انا مدینه العلم و ابوبکر و عمر و عثمان سورها و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب»[[1]](#footnote-1)

نقد و بررسی

در ساختگی بودن این روایت جای تردیدی نیست، و لذا ابن عساکر بعد از نقل آن گفته است: «منکر جدا اسنادا و متنا». علاوه بر اینکه بخش پایانی حدیث آنجا که می فرماید: «فمن اراد العلم فلیات الباب» با صدر حدیث هماهنگ است، و اساسا تعارضی با حدیث مدینه العلم نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه این حدیث نشان می دهد که ابوبکر و عمر در فضیلت با هم برابر هستند در حالی که این مطلب با اعتقاد مشهور اهل سنت درباره فضایل خلفا منافات دارد.

روایت پنجم

ابن عساکر نقل کرده که اسماعیل بن مثنی استرآبادی در شهر دمشق مردم را موعظه می کرد. مردی از وی درباره حدیث مدینه العلم سوال کرد، وی کمی درنگ کرد و گفت: بله این حدیث از پیامبر است اما به صورت ناقص روایت شده است و کامل آن این است: «انا مدینه العلم و ابوبکر اساسها و عمر حیطانها و عثمان سقفها و علی بابها». حاضران در جلسه سخن وی را پسندیده و او مرتب آن را تکرار می کرد. وقتی از وی درباره سند این روایت سوال کردند، سندی را ذکر نکرد.[[2]](#footnote-2)

نقد و بررسی

از این روایت استفاده می شود که آن را اسماعیل بن مثنی جعل کرده است و برخی از عالمان رجال، وی را کذاب دانسته اند. ابن حجر عسقلانی پس از نقل این روایت گفته است: ابوسعید بن سمعانی در «الانصاب» گفته است که اسماعیل بن مثنی، کذاب بن کذاب است. نقشبی نیز اسماعیل را کذاب بن کذاب دانسته و گفته است از وی حدیثی نوشته نمی شود. وی متن های ساختگی را تنظیم می کرد و سندهای صحیح برای آنها جعل می نمود و در روایت، مورد وثوق نبود.[[3]](#footnote-3)

نکته دیگری که شاهد بر کذب بودن این حدیث است، مخدوش بودن متن آن است، زیرا در این روایت ابوبکر به عنوان شالوده و بنیاد این شهر دانسته شده است و این سخن مستلزم آن است که ابوبکر بر پیامبر نیز برتری داشته باشد، زیرا شالوده و اساس هر چیزی، مهمترین نقش را در آن چیز دارد. همچنین در این روایت آمده است که عثمان سقف شهر است در حالی که شهر سقفی ندارد.

نکته دیگر اینکه نقش ویژه دیوارها این است که ساکنان شهر را از خطر سارقان و اشرار حفظ می کنند. در مورد مدینه علم پیامبر(ص)، ساکنان شهر، علوم و معارف نبوی است؛ چگونه می شود که گفت خلفا حافظان این علم بودند، در حالی که گزارش های تاریخی نشان از آن دارد که آنان فاقد این مزیت بودند.

در روایت دیگری که در کتاب «فردوس الاخبار»[[4]](#footnote-4) آمده است، عبارت «و معاویه حلقتها» بر آن افزوده شده است. در مجعول بودن این جمله شک و تردیدی نیست، لذا شمس الدین سخاوی در «المقاصد الحسنه» و ابن حجر مکی در کتاب «الفتاوی الحدیثه» به ساختگی بودن آن تصریح کرده اند.[[5]](#footnote-5) بزرگان حدیث نیز تصریح کرده اند که هیچ روایت صحیحی در این باره از پیامبر اکرم (ص) نقل نشده است. ابن جوزی از اسحاق بن ابراهیم نقل کرده که از رسول اکرم (ص) درباره فضلیت معاویه روایت صحیحی نقل نشده است.[[6]](#footnote-6) همچنین عبدالله بن احمد حنبل می گوید: از پدرم پرسیدم نظرت درباره علی (ع) و معاویه چیست، گفت: علی(ع) دشمنان بسیاری داشت که کوشیدند تا عیبی را در وی پیدا کنند، اما چیزی نیافتند، لذا برای ابراز دشمنی خود به مدح و ثنا کسی که با او وارد جنگ شد پرداختند.[[7]](#footnote-7) ابن حجر عسقلانی گفته است درباره فضایل معاویه روایت فراوانی نقل شده اما هیچ یک از آنها صحیح نیست و اسحاق بن ابراهیم که استاد و شیخ بخاری است و نسائی به اینکه درباره فضایل معاویه نقل صحیحی نداریم جزم داشتند.[[8]](#footnote-8) عینی هم از شارحان بخاری همین مطلب عسقلانی را نقل کرده است.[[9]](#footnote-9) ابن خلکان از محمد ابن اسحاق اصفهانی نقل کرده که گفته است از مشایخ خود در مصر شنیدم که می گفتند: نسائی در اواخر عمر از مصر به دمشق رفت. از وی درباره معاویه و فضایل وی پرسیدند، گفت: آیا معاویه راضی نیست که در ردیف دیگران باشد (یعنی معاویه فضیلت ویژه ای ندارد). در نقل دیگری نسائی گفته است: من درباره معاویه جز این فضیلت را نمی دانم که پیامبر (ص) درباره وی گفت: خداوند شکمت را سیر نکند.[[10]](#footnote-10)

علاوه بر مناقشات سندی درباره این روایت با تعبیر «و معاویه حلقتها»، مخدوش بودن این روایت از جهت متن نیز روشن است، زیرا شهر حلقه ندارد، تا گفته شود معاویه حلقه آن است. اگر هم گفته شود مراد از آن حلقه درب آن است، سوال می شود نقش حلقه درب چیست؟ این حلقه ساکنان خانه را از اینکه کسی پشت درب است خبر می کند. ساکنان مدینه پیامبر (ص)، معارف و احکام الهی هستند، آن وقت اینکه معاویه بخواهد این علوم را خبردار کند چه معنایی دارد؟

بنابراین از مجموع مطالبی که بیان شد معلوم شد که روایاتی که به عنوان معارض با حدیث مدینه العلم نقل شده، هم از جهت سند و هم متن نادرست و جعلی است، علاوه بر اینکه در برخی از آنها اساسا تعارضی نیست.

بحث مربوط به حدیث مدینه العلم در اینجا به پایان رسید. از جلسه آینده انشاءالله به بیان مابقی روایاتی که علامه شرف الدین به درخواست شیخ سلیم برای اثبات امامت امیرالمومنین (ع) و تایید آیه ولایت بیان کرده می پردازیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج9، ص 20 ؛ اللالی المصنوعه، جلال الدین سیوطی، ج1، ص 335 [↑](#footnote-ref-1)
2. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج9، ص 20 ؛ اللالی المصنوعه، ج1، ص 335 ؛ نفحات الازهار، ج12، ص 76 [↑](#footnote-ref-2)
3. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج1، ص 651 [↑](#footnote-ref-3)
4. فردوس الاخبار، ج1، ص 77 [↑](#footnote-ref-4)
5. نفحات الازهار، ج12، ص 164 [↑](#footnote-ref-5)
6. الموضوعات، ابن جوزی، ج2، ص 24 [↑](#footnote-ref-6)
7. الموضوعات، ابن جوزی، ج2، ص 24 [↑](#footnote-ref-7)
8. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، ج7، ص 83 [↑](#footnote-ref-8)
9. عمده القاری، ج 16، ص 248 [↑](#footnote-ref-9)
10. وفیات الاعیان، ج1، ص 59 ؛ تهذیب الکمال، ج1، ص 328 ؛ تذکره الحفاظ، ج1، ص 698 ؛ تهذیب التهذیب، ج1، ص 32 [↑](#footnote-ref-10)